

کارگران همه کشورها متحد شوید!

بیکاری فارغ التحصیلان
دانشگاهها در ایران
تابستان ۱۳۹۸

۴۳/۸ درصد
سهم بیکاری فارغ التحصیلان عالی از کل بیکاران

۲۴/۷ درصد
سهم شاغلان فارغ التحصیل عالی از کل شاغلان

منبع: مرکز آمار



با اجرای آزادسازی اقتصادی نرخ بیکاری کاهش نخواهد یافت

هم‌زمان با گسترش دامنهٔ اعتصاب در مجتمع نیشکر هفت‌تپه، کارگران کارخانه آذراب نیز لغو خصوصی‌سازی و بازگشت کارخانه به دولت را خواستار شدند. سه دهه اجرای خشن سیاست تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی، بیکاری میلیون‌ها کارگر ماهر کشورمان را موجب گردیده است. تاراج بنگاه‌های تولیدی با نام خصوصی‌سازی، اجرای قانون ضدملی "هدفمندی یارانه‌ها"، افزایش ده برابری قیمت حامل‌های

انرژی در کمتر از ده سال، تحمیل دو شوک ارزی ویرانگر و کاهش ارزش پول ملی به یک‌دهم ارزش آن در کمتر از هشت سال، قاچاق لگام‌کسیخته به‌وسیلهٔ وابستگان رژیم، واردات بدون مهار از سوی سرمایه‌داری انگلیسی، و تحمیل مالیات شکننده به تولیدکنندگان واقعی هم‌زمان با ارائهٔ معافیت‌های مالیاتی به بنیادها و سرمایه‌داری انگلیسی (که بیش از ۴۰ درصد اقتصاد کشور را در کنترل می‌دارند) ویرانی تولید ملی و بیکاری میلیون‌ها کارگر ماهر کشورمان را موجب گردیده است. فقط در ارتباط با بیکاری کارگران ساختمانی، ایلنا، ۱۱ مهرماه، نوشت:

نامه
کارگری
ضمیمه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۵، ۲۲ مهر ماه ۱۳۹۸



نفتگران و خواست‌های آنان

کارگران صنعت نفت ایران با اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه بسیاری از دستاوردها و حقوق راستین‌شان را از دست داده‌اند و با کاهش سطح زندگی و فقر دست‌به‌گریبان شده‌اند. یکی از مؤلفه‌های سیاست تعدیل ساختاری، ایجاد به‌اصطلاح مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی" و محروم کردن کارگران شاغل در این مناطق از هرگونه حمایت قانونی است. با هدف خارج کردن کارگران از شمول قانون کار و ایجاد تفرقه در بین کارگران و تشدید بهره‌کشی از آنان، در بیش از دو دهه اخیر رژیم ضدملی ولایت فقیه اکثر مراکز صنعتی نفت، گاز، و پتروشیمی را به مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی" تبدیل کرده است. با گسترش زیادتر این مناطق به‌خصوص در سال‌های اخیر، رژیم ولایت فقیه لایه‌هایی از کارگران با قراردادهای مختلف، دستمزدهای مختلف، و مزایای شغلی مختلف، به استخدام درآورده و شرایطی بحرانی در معیشت و امنیت شغلی در این صنایع را به‌وجود آورده است.

بنا بر گزارش ۷ مهرماه ایلنا، کارگران در صنعت نفت در لایه‌های مختلفی به‌کار گرفته می‌شوند: "ارکان اول (نیروهای رسمی)، ارکان ثانی (قراردادی‌ها و پیمانی‌ها) و ارکان ثالث گروه (الف) و (ب)". علاوه بر بهره‌کشی سبعانه از "ارکان ثانی‌ها" و "ارکان ثالثی‌ها"، پرداخت نکردن به‌موقع دستمزد، پرداخت نکردن مزایای برحق کارگران، و تهدید امنیت شغلی آنان با قراردادهای

مبارزه علیه خصوصی‌سازی، برای حقوق سندیکایی، و وظایف مرحلهٔ کنونی

با ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه و همراه با آن تشدید اعتراض‌های کارگران کارخانه‌های آذراب و هیکو، شاهد گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان علیه برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه به‌ویژه خصوصی‌سازی هستیم. این اعتراضات نشان می‌دهد که برخلاف تبلیغات دروغین رژیم، کارگران و زحمتکشان میهن ما با آگاهی و شناخت بهتر مبارزه برای تامین منافع صنفی و سیاسی خود را شدت بخشیده‌اند. از این جهت باید با امیدواری بر ارتقاء سطح زندگی و پویا شدن جنبش کارگری و سندیکایی تاکید ورزید و در راستای تقویت کمی و کیفی آن با احساس مسئولیت انقلابی اقدام به حرکت نمود.

همچنان که یادآور شدیم مبارزهٔ طبقه کارگر و زحمتکشان برای تحقق خواست‌های فوری طی هفته‌های گذشته اوج تازه‌ای یافته است. محور این جنبش اعتراضی مخالفت با سیاست آزادسازی اقتصادی و توقف برنامهٔ ویرانگر خصوصی‌سازی بوده است. تمرکز جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان بر موضوعات مهمی چون خصوصی‌سازی، نشانهٔ بارز ژرف‌فیش پیکار جنبش سندیکایی

ادامه در صفحه ۲

کوتاه‌مدت، دغدغه روزانه این کارگران است. به‌عنوان نمونه، روز ۷ مهرماه، "شرکت دولتی مهندسی و توسعه نفت" از "تعدیل (یعنی اخراج)" تدریجی حدود "۱۷۰ نفر" از نیروهای "ارکان ثالث (ب)" در ماه‌های آینده خبر داد. جالب این‌جاست که کارگران "ارکان ثالثی (ب)" کارگران "متخصص صنعت نفت محسوب می‌شوند". ایلنا، ۱۰ مهرماه، نوشت کارگران پالایش نفت در منطقه آزاد قشم "بارها" به "فرمانداری قشم" مراجعه کردند و "چندین ماه مطالبات پرداخت نشده‌شان را خواستار شدند. اجرای "طرح طبقه‌بندی مشاغل" یکی از "مهم‌ترین" خواست‌های کارگران ارکان ثالث نفت است. روز ۷ مهرماه، کارگران "شرکت نفت و گاز آغاچاری" به اجرا نشدن این طرح اعتراض کردند. گرچه "کارگران قرارداد موقت نفت"، هر ماه "مبالغ گزافی را بابت بیمه تکمیلی" می‌پردازند، این کارگران در روز ۶ مهرماه از ناکارآمدی بیمه تکمیلی و هزینه‌های "سر به فلک کشیده" درمان اعتراض کردند.

ایلنا، ۲ مردادماه ۱۳۹۸، در گزارشی نوشت: "تعداد کارکنان پیمانکاری وزارت نفت از حدود ۵۳ هزار نفر در سال ۸۴، به ۱۳۶ هزار نفر در سال ۹۱ افزایش یافته بود. برای نمونه: "تزدیک به ۱۰ هزار" کارگر در "مجمع گاز پارس جنوبی" شاغل اند که از این عده، فقط "۶۰۹ نفر نیروی

ادامه در صفحه ۳

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



می‌بخشد و "خرید کالایی به نام نیروی کار" را فارغ از هر قید و بند قانونی برای سرمایه داخلی و خارجی فراهم می‌سازد.

این رشته اقدام‌ها در شرایطی با سرعت به اجرا گذاشته می‌شود که بر اثر استبداد حاکم، طبقه کارگر میهن ما از تشکل صنفی - سندیکایی و سازمان سیاسی خود محروم است. محمد شریعتمداری که با ماموریت تغییر قوانین کار و تأمین اجتماعی و با برنامه درهم شکستن مقاومت کارگران و زحمتکشان بر مسند وزارت کار تکیه زده، از انجام مذاکراتی در باره بازنگری قانون کار خبر می‌دهد، اما روشن نمی‌کند چه کسانی با چه کسانی مذاکره می‌کنند و نماینده و طرف کارگری این مذاکرات که تاکنون پنهان نگه داشته شده، کیانند؟! چرا برای بازنگری مهم‌ترین قانون یک کشور پس از قانون اساسی یعنی قانون کار، کارگران، فعالان سندیکایی و تشکل‌های مستقل واقعی کارگری بیگانه و غیرخودی به‌شمار می‌آیند؟ به هر روی هدف رژیم ولایت‌فقیه از بازنگری قانون کار و تعیین حداقل دستمزد براساس سن و جغرافیا ارزان‌سازی نیروی کار است. برای آنکه این برنامه ضدکارگری و ضد ملی افشا شده و ناکام بماند، در درجه نخست باید مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و احیا و ایجاد سندیکاهای کارگری واقعاً طبقاتی و مستقل را تشدید کرده و همه نیروهای موجود را صرف نظر از تفاوت سلیقه‌ها، دیدگاه‌ها و عقاید در یک صف متحد گردهم آورد و با تجهیز نیروی اجتماعی پر قدرت توده‌های کارگر به‌مقابله با سیاست‌های رژیم ولایت‌فقیه برخاست. تجربه مبارزه کارگران نیشکر هفت‌تپه، آذربایجان، پالایشگاه کرمانشاه، هپکو و دیگر واحدهای صنعتی به‌خوبی نشان می‌دهد برای تأمین مطالبه‌های فوری مانند دستمزدهای معوقه و تضمین امنیت شغلی می‌باید علیه برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی به‌ویژه خصوصی‌سازی به‌صورت متحد و یکپارچه مبارزه کرد. وضعیت کنونی کارخانه‌های هپکو، آذربایجان و نیشکر هفت‌تپه که منجر به نابودی امنیت شغلی هزاران کارگر شده، ناشی از اجرای برنامه خصوصی‌سازی است و بدون تشدید مبارزه در این زمینه مطالبه‌های فوری تحقق نخواهد یافت. در این زمینه نکته مهم و مرکزی سازماندهی کارگران و زحمتکشان و ارتقاء سطح همبستگی میان آنها بر پایه خواست احیای حقوق سندیکایی و پیوند آن با تحقق خواست‌های فوری است. برای مقابله با یورش ولایت‌فقیه به‌منافع صنفی و رفاهی کارگران و زحمتکشان هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جانشین تشکل سندیکایی گردد. این فقط سازمان پایه طبقاتی کارگران یعنی سندیکاهای هستند که می‌توانند منافع طیف گسترده زحمتکشان را بازتاب داده، نمایندگی کرده و برای تأمین آن مبارزه کنند. بدون احیای حقوق سندیکایی، طبقه کارگر و زحمتکشان از سلاح نیرومند خود در عرصه صنفی محروم خواهند ماند.

حزب ما بارها بر این امر مهم تأکید ورزیده است که جنبش سندیکایی زحمتکشان، جنبشی مطالباتی - اجتماعی دربرگیرنده همه زحمتکشان صرف نظر از تفاوت‌های عقیدتی، مسلکی، سیاسی، مذهبی و قومی است. این جنبش با تکیه بر وسیع‌ترین و توده‌ای‌ترین شکل‌های تشکل زحمتکشان فکری و یدی از خواسته‌های رفاهی و صنفی همه آنها دفاع کرده و با یورش‌ها و غارتگری سرمایه مبارزه می‌کند. فقط از این راه می‌توان برای ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی در جنبش سندیکایی زحمتکشان با موفقیت حرکت کرد و به‌موافقت آن با تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی جایگاه، بنیه و قدرت مانور جنبش کارگری را در معادله‌های صحنه سیاسی کشور تقویت و تحکیم نمود. با اتحاد عمل فراگیر در راه احیای حقوق سندیکایی و پیوند آن با مبارزه برای دستیابی به مطالبه‌های فوری بکوشیم!

ادامه مبارزه علیه خصوصی سازی ...

زحمتکشان و به‌طور کلی ارتقاء آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر در وضعیت حساس کنونی است. تأکید بر ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی چه در شکل سندیکایی و در چه شکل سیاسی آن به ویژه از آن روی دارای اهمیت است که رژیم ولایت‌فقیه با توجه به بحران فزاینده اقتصادی - اجتماعی و تحولاتی پرشتاب صحنه سیاسی کشور مجموعه برنامه‌هایی را تدوین و آماده اجرا ساخته است که به شدت به‌منافع توده‌های محروم جامعه و در رأس آنها کارگران آسیب وارد می‌سازد. هم‌زمان با وقت‌کشی و تعلل حساب‌شده شورای عالی کار در خصوص چگونگی ترمیم دستمزدها در سال جاری و با ادامه مبارزه کارگران آذربایجان و نیشکر هفت‌تپه، مرکز پژوهش‌های مجلس بنا به درخواست وزارت کار، سازمان برنامه و بودجه، اتاق بازرگانی و بنیاد مستضعفان و تعداد دیگری از نهادها و دوابر خصوصی و حکومتی، تحت پوشش "راهکارهای رونق تولید در سال 98 در حوزه اقتصاد کلان"، طرح منطقه‌ای و سنی شدن مزد را انتشار داد. مطابق گزارش این مرکز پژوهشی می‌باید با انعطاف در بازار کار و تعیین حداقل مزد کارگران براساس جغرافیا و سن اجرای آزادسازی دستمزد را کلید زد. اقتصاد آنلاین 22 شهریور ماه امسال در این رابطه با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نوشت: ". . . در حال حاضر شورای عالی کار سالیانه تنها یک نوع حداقل حقوق و دستمزد برای تمام مناطق و صنایع کشور اعلام می‌دارد و همین امر انعطاف‌ناپذیری در روابط کارگر و کارفرمایی را تشدید کرده و از موانع مهم در ایجاد اشتغال و گسترش اشتغال غیررسمی است. . . بنابراین توصیه سیاستی این است که به‌دلیل پیچیدگی و احتمال ایجاد اختلال در بازار کار بهتر است با در نظر گرفتن تفاوت‌های ساختار رشته فعالیت‌های مناطق مختلف حداقل دستمزد به‌صورت منطقه‌ای و سنی ایجاد شود." مرکز پژوهش‌های مجلس در این گزارش با صراحت بر نکته‌های فوق‌العاده مهم تأکید دارد. این نکته عبارت است از: "برداشتن بار حمایتی از روی موضوع حداقل دستمزد و اصلاح نظام تأمین اجتماعی."

به‌فاصله اندک از زمان انتشار رسمی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، وزیر کار در جریان سخنرانی خود در شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در استان کرمانشاه اعلام نمود: "امروز در شرایطی هستیم که نظام کار و اشتغال پوست‌اندازی کرده و شرایط جدیدی ایجاد شده است. . . باید در همه اصول حاکم بر بازار کار تغییراتی متناسب با شرایط روز ایجاد کنیم. ما در قانون کار از کار صحبت می‌کنیم. . . باید در این زمینه بازنگری داشته باشیم البته مذاکراتی هم در حال انجام است." (اقتصاد آنلاین، 29 شهریور 98) همچنین شریعتمداری در واکنش به اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، آذربایجان و هپکو اعلام داشت به‌سمت "نوآوری" در تولید و نوسازی خطوط و بهتر شدن معیشت کارگران در حرکت هستیم و بار دیگر بر خصوصی‌سازی تأکید کرد.

انتشار گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس و سپس موضع‌گیری‌های محمد شریعتمداری در ارتباط با هم قرارداداشته و نکته‌های بسیار مهم را برجسته می‌سازد که عبارت است از برنامه مدون رژیم ولایت‌فقیه برای مقررات‌زدایی و ارزان‌سازی نیروی کار! تأکید بر این سیاست و اجرای آن در اوضاع کنونی حاکم بر میهن ما به‌هیچ‌رو نباید اتفاقی تلقی شود. رژیم ولایت‌فقیه در مقطع زمانی حساس فعلی در راستای سیاست حفظ نظام اجرای برنامه تعدیل ساختاری را اجتناب‌ناپذیر ارزیابی می‌کند. گسترش دامنه اجرای چنین برنامه‌ای از سوی رژیم ولایت‌فقیه ضامن حیات و دوام ارکان حاکمیت و پیوند آن با امپریالیسم و مشارکت فعال در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی ارزیابی می‌گردد. به‌همین جهت با توسل به انواع روش‌ها چنین برنامه‌هایی از سوی رژیم به‌اجرا گذاشته می‌شود. نباید فراموش کنیم که هسته اصلی و مرکزی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص تعیین مزد براساس جغرافیا و سن و نیز برنامه‌های وزارت کار، ارزان‌سازی نیروی کار به‌هدف جلب و جذب سرمایه خارجی است. مکمل این برنامه تضمین امنیت سرمایه به‌شمار می‌آید. وزیر کار با پافشاری بر بازنگری در قانون کار و حذف موارد حمایتی از آن در حقیقت دادن تضمین به انحصارات فراملی و کلان سرمایه‌داران داخلی است.

به‌این ترتیب بازار کار کشور و قوانین ناظر بر آن مانند قانون کار و تأمین اجتماعی توسط قوای سه‌گانه - قوه مقننه، قوه قضاییه و قوه مجریه - با اصول سیاست تأمین امنیت سرمایه انطباق داده می‌شود. بازنگری یا به‌عبارت دیگر اصلاح قانون کار به‌سود کلان سرمایه‌داران به‌موضوع امنیت سرمایه قانونیت

ادامه با اجرای آزاد سازی ...

"در حال حاضر ۶۰ درصد کارگران ساختمانی کشور بیکارند." ایلنا تعداد کارگران ساختمانی بیکار را "۸۰۰ هزار" نفر برآورد کرد و افزود: "بیش از ۵۰ شغل ارتباط مستقیم با بخش مسکن دارند." به عبارت دیگر، بیکاری ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی اثرهای ویرانگر نیز بر دیگر مشاغل دارد. در رابطه با فاجعه بیکاری زحمتکشان در کردستان، رئیس شورای شهر سردشت به ایلنا، ۲۷ مردادماه، گفت: "مردم این شهرستان همه بیکارند... ۹۹ درصد مردم منطقه برای به دست آوردن حداقل‌های زندگی در اینجا کولبری می‌کنند... در بین همین کولبران، جوانانی با مدارک دکترا و فوق لیسانس داریم." با وجود و گسترش چنین وضعیت شغلی، ایسنا، ۱۵ مهرماه (بنا بر گزارش "مرکز آمار" و وزارت کار) از ایجاد "۸۴۴ هزار" شغل و کاهش "۱/۸ درصدی" نرخ بیکاری در تابستان سال جاری خبر داد و تعداد بیکاران را صرفاً "دو میلیون و ۸۹۴ هزار نفر" اعلام کرد. در حالی که بنا به گفته رئیس شورای شهر سردشت ۹۹ درصد مردم منطقه برای به دست آوردن حداقل‌های زندگی در اینجا کولبری می‌کنند، خبرگزاری ایلنا، ۱۵ مهرماه، میانگین بیکاری در روستاها را "۷/۹ درصد" و نرخ اشتغال روستایی در کردستان را "۸۸/۸ درصد" اعلام می‌کند.

از بین میلیون‌ها مردم بیکار، حدود ۲۲۰ هزار نفر بیکار، بر اساس آمار رژیم، از مقرری ناچیز بیکاری استفاده می‌کنند. باینهمه اما رژیم ظالم ولایی و کارگزاران اقتصاد "آزاد" آن، به همان مقرری ناچیز بیکاری نیز چشم طمع دوخته‌اند. روز ۲۱ اردیبهشت‌ماه امسال، تصویب‌نامه هیئت وزیران "تحت عنوان خرید خدمات اداری از بخش خصوصی در اجرای قانون بیمه بیکاری... امور بیمه بیکاری را تمام و کمال به بخش خصوصی - شرکت‌های کاربایی - تفویض کرد." به عبارت دیگر، بخشی از مقرری ناچیز بیکاری نیز، یعنی پولی که خود کارگر به عنوان بیمه بیکاری به تأمین اجتماعی پرداخت کرده است، در اختیار دلالان و واسطه‌های "شرکت‌های کاربایی" قرار خواهد گرفت. مطابق گزارش ۱۹ تیرماه ایلنا، تا کنون کسانی که مشمول دریافت مقرری بیکاری می‌شدند "به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه می‌کردند و به رایگان ثبت‌نام می‌کردند، اما از زمان آغاز برون‌سپاری، مراجعان باید به مراکز کاربایی مراجعه کرده و "مبالغی" را نیز برای امور ثبت‌نامی بیکاری بپردازند.

در سال‌های اخیر، رژیم ولایی علت بیکاری میلیونی کارگران و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را "فقر مهارتی" جویندگان کار عنوان کرده است. اما شقاوت کارگزاران رژیم ولایی و مجریان "بازار آزاد" به حدی است که با استفاده از فنون "فقر مهارتی" و خصوصی‌سازی یکی دیگر از عرصه‌های روابط کار، بهره‌کشی را به زندگی بیکاران جامعه نیز گسترش می‌دهند. کارگزاران رژیم ولایی در سه سال اخیر، علت به اصطلاح "فقر مهارتی" فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را "ضعف" نظام آموزشی اعلام کرده‌اند. به عنوان نمونه، بعد از ۴۰ سال تسلط کامل به تدوین "نظام آموزشی"، شریعت‌مداری، وزیر کار، به ایسنا، ۶ مردادماه، می‌گوید: "ما اشتباه کرده‌ایم و راه را درست نرفته‌ایم... ما به نظام آموزشی هفتاد سال قبل برگشتیم." حالا باید دید راه‌حل رژیم ولایی چیست. بنا بر گزارش خبرگزاری مهر، اول مردادماه، حاتم‌زاده، معاون آموزشی سازمان فنی‌وحرفه‌ای وزارت کار، "ریشه" فقر مهارتی "شدید" فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را "ضعف در نظام آموزش عالی و تدوین برنامه‌های درسی" عنوان کرد و "فرایند بازنگری" در این امر را "ارائه مجوز به آموزشگاه‌های آزاد فنی‌وحرفه‌ای" دانست. به عبارت دیگر، بعد از حداقل ۱۶ سال تحصیل و کسب "مهارت" در نظام آموزشی رژیم ولایی، فارغ‌التحصیلان بیکار باید منابع هنگفتی نیز برای کسب "مهارت" به "آموزشگاه‌های آزاد فنی‌وحرفه‌ای" رژیم پرداخت کنند. با مبارزه‌ای پیگیر و متحد، باید به سیاست ویرانگر آزادسازی اقتصادی رژیم پایان داد.

ادامهٔ نفتگران و خواست‌های آنان ...

کار "قرارداد مستقیم" هستند، و "۸ هزار و ۸۸۹ نفر" نیروی ارکان ثالث در این مجتمع" شاغل‌اند. در شرایطی که خبرگزاری ایلنا روز ۱۵ مهرماه از گذشتن "سید معاش" در شهریورماه از مرز ۸ میلیون تومان" گزارش می‌داد، همین خبرگزاری، ۶ اردیبهشت‌ماه، در مقاله‌ای دربارهٔ قراردادهای پیمانکاری عمدتاً "در صنایع مهمی همچون نفت و گاز کشور"، نوشته بود: "در برخی حوزه‌ها برای یک کار یکسان، چهار مدل قرارداد داریم؛ کارگر رسمی، بیش از ۵ میلیون تومان درآمد دارد...؛ قراردادی‌ها" در کنار همان رسمی‌ها هستند که حدود ۲/۵ میلیون تومان می‌گیرند و در همان شغل، کارگران پیمانکاری هستند که حدود ۲/۵ میلیون تومان درآمد دارند و در نهایت می‌رسیم به "ارکان ثالثی‌ها" که فقط حداقل دستمزد را می‌گیرند." صدویست هزار نفر نیروی شرکتی (پیمانکاری یا ارکان ثالث) در نامه‌ای "سرگشاده خطاب به اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس" در بهمن‌ماه ۹۷، از "مکاتبات متعدد" شان با "بیش از هشتاد و پنج نفر از نمایندگان مجلس" خبر دادند و خواستار "حذف شرکت‌های پیمانکاری" شدند. در نامه سرگشاده این ۱۲۰ هزار کارگر آمده است: "وزارت نفت به جای پیشرفت دادن و ارتقای شغلی ما، اخیراً پیمان‌های تأمین نیروی انسانی را حجمی نموده [است]... چرا پولی که به پیمانکاران می‌پردازند را به خودمان نمی‌دهید؟ با مدرک کارشناسی ارشد، حقوق کارگر ساده را می‌گیریم."

به دستور "وزیر نفت"، کارگزاران رژیم ولایی در وزارت نفت یک "طرح سه مرحله‌ای" برای "بهبود معیشت کارکنان پیمانکاری [صنعت] نفت" ریخته‌اند. مطابق گزارش ۲ مردادماه ایلنا، روز بیستم فروردین‌ماه سال جاری، ناصر مولایی، مدیر منابع انسانی شرکت ملی نفت، از پایان یافتن "مرحله اول" این طرح که شامل آسیب‌شناسی قراردادهای پیمانکاری و تأمین نیروی پیمانکاری بوده "است، خبر داد. مولایی "مرحله دوم این طرح" را "تدوین الگوهای قراردادی نیروهای پیمانکاری شاغل در صنعت نفت" نامید که "مطالعات آن از پارسال آغاز شده" است. مولایی "مرحله سوم" را "تصویب‌خواهی و اجرا" نامید، و در رابطه با مرحله سوم گفت: "برنامه مفصلی پیش‌بینی شده و قصد داریم که آن‌قدر قراردادها و پیمان‌های کارکنان پیمانکاری را جذاب کنیم که حتی کارکنان قراردادی به صورت داوطلبانه خواستار تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانکاری شوند." به عبارت دیگر، در حین اینکه "پیمان‌های تأمین نیروی انسانی" را به "حجمی" تنزل می‌دهند، بعد از پایان "مطالعات" شان در سال‌های آینده، رژیم ولایی وعده "بهبود معیشت کارکنان پیمانکاری [صنعت] نفت" را می‌دهد. سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس روز ۲۰ شهریورماه امسال بار دیگر از "بررسی پیشنهاد حذف قراردادهای پیمانی در دستگاه‌های دولتی" خبر داد. جالب این‌جاست که مطابق گزارش ایلنا، "این طرح که سالهاست در کشاکش تصویب در مجلس است"، یک بار پیش‌تر از این "توسط شورای نگهبان رد شده" است و شامل حال کارگران صنعت نفت "مانند پارس جنوبی" نمی‌شود. در همان گزارش و در رابطه با "دلالان نیروی انسانی"، یک عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: "توجه دولت این است که کارگر تحت پوشش پیمانکاری هرگز نمی‌تواند از دولت خواسته‌ای داشته باشد."

در حالی که کارگران "شرکتی" روزی "۱۲ ساعت و گاهی بیشتر" کار می‌کنند، و "سطح الودگی عسویه، ۱۰۰ برابر بیشتر از شهر تهران است"، روز ۲۹ تیرماه کارگران شاغل در عسویه از "حذف کار اقماری در زیرمجموعه‌های شرکت نفت" به ایلنا خبر دادند و افزودند: "تعطیلات برای رفتن پیش خانواده‌هایمان نخواهیم داشت." اخیراً طرح جدیدی "در قالب قرارداد سود مدیریتی برای تبدیل وضعیت کارگران پیمانی" ("به جز کارگران واحد تعمیرات")، به بخش‌هایی در پالایشگاه آبادان ابلاغ شده است. روز ۲۹ تیرماه، کارگران واحد تعمیرات "دست به اعتراض زده و این تصمیم را تبعیض و تفرقه‌اندازی در میان کارگران پیمانکاری" خواندند. روز ۱۵ مهرماه حادثه دردناک سرویس کارکنان "زیرمجموعه پالایشگاه آبادان" و جان باختن یکی از کارگران و مصدم شدن ۲۱ کارگر دیگر را شاهد بودیم. در راستای "برون‌سپاری" و کسب سود بیشتر، دو سال است که در "منافسه" ای پالایشگاه آبادان سرویس کارکنان را به "شرکت‌های مسافربری" واگذار می‌کند و "چک ایمنی روزانه در مورد اتوبوس و راننده انجام نشده" بود. استفاده از دلالان نیروی کار، ایجاد لایه‌هایی از کارگران با دستمزدهای مختلف و چندین بار زیر خط فقر، سرکوب و بازداشت کارگران، شیوه رایج رژیم ولایی به منظور ارزان‌سازی نیروی کار و جذب سرمایه‌های امپریالیستی است. کارگران صنعت نفت با تشدید مبارزه باید به مقابله با رژیم ولایت فقیه برخیزند و در برابر سیاست‌های ضد کارگری این رژیم ایستادگی کنند.



مورد آموزش و پرورش در پیش گرفته را خطری بزرگ برای منافع معلمان، کارمندان دفتری، دانش آموزان، و خانواده‌های آنان در سطح استان می‌داند. حزب از نخست‌وزیر هوگان می‌خواهد که وزیر آموزش و پرورش، راب فلمینگ، را با شخصی که بتواند با معلمان به توافقی مناسب برسد و طرح به اصطلاح "شناورسازی" را با طرح مناسبی که پاسخگوی نیازهای دانش آموزان باشد جایگزین کند. شانزده سالی که لیبرال‌ها روی کار بودند دوران سختی بود. آنان به سیستم آموزشی استان و به قراردادهای دسته‌جمعی به هدف لغو آن‌ها، یورش‌هایی مکرر کردند. تأکید بر شرایط آموزشی بهتر مساوی است با شرایط یادگیری بهتر، حمایت از آموزش همگانی رایگان (حمایت از معلمان و کارمندان دفتری، دانش آموزان، خانواده‌های شان و شورای معتمدان مترقی)، اعتراض متحد و علنی به قطع بودجه توسط لیبرال‌ها، که این امر تأثیر بسیار نامطلوبی بر کسانی داشته است که به آن محتاج‌اند. این کاهش‌ها بر دانش آموزان با نیازهای ویژه و نیز دانش آموزان از لایه‌های محروم و زحمتکش جامعه، فقرا، دانش آموزان از اقوام بومی‌های کانادا و نیز آنانی که زبان انگلیسی در خانه‌هایشان زبان اول نیست، بیشترین تأثیر منفی را می‌گذارد.

حزب کمونیست تأکید می‌کند: "سرانجام وقتی که در سال ۲۰۱۷ لیبرال‌ها از قدرت خلع شدند، معلمان و سایر کارمندان آموزشی انتظار به‌جایی از شورای عالی قضایی استان داشتند از جمله به‌منظور پس دادن حقوق فدراسیون معلمان در مذاکره برای داشتن کلاس‌های با ظرفیت مناسب و احقاق حقوق کامل‌شان و احترام دولت دموکراتیک جدید به این حقوق و نیز قرار دادن اصلاح سیستم آموزش همگانی در اولویت برنامه‌هایش. بعد از دو سال این دولت جدید در این مورد حداقل کارها و فقط بخش قانونی آن را انجام داده بدون اینکه بخش مخرب سیاست دولت پیشین - کمپ بل و کلارک - را اصلاح جدی بکند.

برگرفته از سایت حزب کمونیست کانادا، به تاریخ‌های ۲ مردادماه ۱۳۹۸ و ۳۱ مردادماه ۱۳۹۸

<http://peoplesvoice.ca/2019/07/24/bc-big-operating-surplus-but-no-deal-for-teachers/>
<http://peoplesvoice.ca/2019/08/22/bc-communists-demand-education-ministers-ouster>

مبارزه فرهنگیان کانادا در راه انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی، تأمین امنیت شغلی، و دستمزد عادلانه!



دولت حزب دموکراتیک جدید

"ان-دی-پی" استان بریتیش کلمبیا در کشور کانادا، در گزارش مالی سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ آن، مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار بودجه مازاد اعلام کرده است. این مبلغ ۱/۳ میلیارد دلار بیش از پیش‌بینی‌های بودجه سال قبل بوده است و از افزایش درآمد از محل دریافت مالیات از افراد و شرکت‌ها به‌رغم بخشودگی‌های مالیاتی هنگفتی که دولت لیبرال پیشین به نروتمندان داده بود حاصل شده است. این درآمد ناشی از رشد اقتصادی بریتیش کلمبیا است. اما آیا بخشی از این سود به فرهنگیان نیز تعلق می‌گیرد؟

دولت آقای هوگان (نخست‌وزیر)، بر اساس مصوبه مجلس، با همراهی سه عضو پارلمانی حزب سبز، بخش‌هایی از قطع بودجه برای برنامه‌های خدمات عمومی، مهدکودک، آموزش و بهداشت از سوی دولت لیبرال پیشین اجرایی شده بود را توانستند برگردانند. در نتیجه، حزب "ان-دی-پی" هنوز در صدر نظرسنجی‌های استان به‌لحاظ محبوبیت قرار دارد.

اما در عین حال دولت از برخورد با یک مشکل اصلی، یعنی جذب شمار بیشتر معلم برای تدریس در مدارس عمومی، عاجز مانده است. دلیل اصلی آن عجز، پایین بودن حقوق معلم‌های این استان نسبت به دیگر استان‌ها بوده و در عین حال هم که هزینه زندگی در این استان بالا است.

آمار منتشر شده از سوی فدراسیون معلمان بی-سی (بی-سی-تی-اف) نشان می‌دهد که "حداقل حقوق معلم با رتبه شغلی ۵ در بین ۱۳ استان و مناطق کانادا در رده ۱۲ قرار دارد." میانگین حقوق سالیانه معلم‌ها در استان بی-سی بین ۴۹۳۷۶ تا ۷۵۷۷۸ دلار بوده است، در صورتی که در استان آلبرتا ۶۲۷۵۷ تا ۹۷۳۱۹ و در انتاریو بین ۵۲۹۶۷ تا ۹۱۳۱۵ دلار بوده است.

با آغاز مدارس و شروع ماه سپتامبر زمان رسیدن به توافق دسته‌جمعی‌ای جدید دیگر دیر شده است. به‌نظر می‌رسد که پیشرفت کوچکی در مذاکرات بین بی-سی-تی-اف و اتحادیه کارکنان مدارس عمومی بی-سی (که در واقع طرف دولت بی-سی است) مشاهده می‌گردد. از بحث‌های جاری در مطبوعات می‌توان نتیجه گرفت که معلم‌های استان از سنگ‌اندازی دولت، به‌خصوص از گزارش بودجه مازاد در سال جاری، به‌شدت ناراضی‌اند.

کمونیست‌های استان بریتیش کلمبیا اخراج وزیر آموزش و پرورش را خواهان‌اند!

حزب کمونیست کانادا اجرای عدالت در حق دانش آموزان و معلم‌ها را خواستار است!

حزب کمونیست استان بریتیش کلمبیا (بی-سی) با انتشار بیانیه‌ای یادآور می‌شود که دولت حزب دموکراتیک جدید این استان سیاستی که در

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org>
 آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»
 E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۵
 Nameh Mardom - Workers Supplement No. 24

14 October 2019

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

